

تحلیل عملکردی کنشگران شهری در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی با مدل چند موضوع- چند بازیگر (مطالعه موردی: محله اسلام‌آباد شهر زنجان)

محمد تقی حیدری (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران)

Mt.heydari@znu.ac.ir

ثریا نصیری (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اردبیل، اردبیل، ایران)

M.nasiri3020@gmail.com

یعقوب حقی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

Haghi.yaghoob2015@gmail.com

سعید محرمی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران)

Moharramisaeed69@gmail.com

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۶/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۰

صص ۳۹-۵۸

چکیده

موضوع اسکان غیررسمی، یک پدیده چندبعدی و سیستماتیک است که ناشی از سازوکار و روابط متقابل کنشگران عوامل پنهان و آشکار اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مدیریتی است. با این رویکرد نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، به دنبال تحلیل نقش کنشگران تأثیرگذار در ساماندهی سکونتگاه غیررسمی محله اسلام‌آباد با مدل مکتور در شهر زنجان است. گردآوری داده‌ها با روش کتابخانه‌ای و میدانی انجام شد. جامعه آماری شامل گروه متخصصین و نخبگان شهرسازی در شهر زنجان است که با روش نمونه‌گیری گلوله برفی، ۲۵ نمونه انتخاب شد. برای تحلیل داده‌ها از رویکرد تحلیل عاملی، مدل معادلات ساختاری و مدل چندموضوع-چند بازیگر با کمک نرم‌افزارهای SPSS و Lisrel و Mactor استفاده شد. طبق مدل معادلات ساختاری کنشگران بیشترین روابط علی را با شاخص زیست‌محیطی با ضریب ۷/۰۵ و کمترین روابط را با شاخص کالبدی با ضریب ۳/۱۲ داشته‌اند. طبق مدل چندموضوع-چند بازیگر، عامل اصلی ساماندهی اسکان غیررسمی محله اسلام‌آباد، مثلث روابط بین شهرداری-ساکنین محله و نهادهای محلی است و محوریت اصلی نیز با شهرداری می‌باشد. با توجه به جایگاه شهرداری در کنشگری شهری این محلات باید در نظر داشت اولویت دادن به تأمین منافع انحصاری نهفته در نوسازی تک بنا که بر سوداگری زمین و مسکن شهری را دامن می‌زند و با قرار گرفتن این موارد در کنار وظایف مانده دولت و نهادهای بخش عمومی مثل شهرداری و غفلت از تعهدات خود در قبال این محلات، علاوه بر القا و تشدید فرسودگی، سبب حضور بیشتر غیررسمی شدن فضا خواهند شد.

کلیدواژه‌ها: اسکان غیررسمی، ساماندهی، شهر زنجان، کنشگران، مکتور.

۱. مقدمه

سکونتگاه خودرو و نابسامان با اجتماعات آلونکی که از آن به عنوان اسکان غیررسمی یاد می‌شود (صرافی، ۱۳۸۱، ص. ۵)؛ را نمی‌توان به یک پدیده یا رویداد اجتماعی و اقتصادی و... منتسب کرد. چراکه موضوع اسکان غیررسمی و متعاقب آن شکل‌گیری محله‌های ناکارآمد شهری، یک پدیده چندبعدی و سیستماتیک است که ناشی از سازوکار و روابط متقابل عوامل پنهان و آشکار اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مدیریتی می‌باشد (نصر اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۴). به‌طور کلی، علاوه بر ظرفیت‌های اجتماعی-اقتصادی موجود در بافت اجتماعی ساکنین سکونتگاه‌های غیررسمی، بی‌توجهی مدیران شهری در توسعه برنامه‌های کالبدی و عمرانی و همچنین، ضعف فعالیت‌های نهادهای مدنی و اجتماعی-فرهنگی، نیز به تداوم این وضعیت در سکونتگاه‌های غیررسمی کمک می‌کند (بیرد، ۲۰۱۳، ص. ۶۰۸). لذا بررسی و تبیین سازوکارهای مؤثر بر شکل‌گیری و تداوم سکونتگاه‌های غیررسمی، می‌تواند در قالب نقش و عملکرد کنشگران شهری، نمود بهتری پیدا کند. در حقیقت چالش‌های موجود در مناطق حاشیه‌نشین و فقیر شهری تنها با پول و مسائل کالبدی امکان‌پذیر نیست، بلکه مهم‌ترین راهکار برای حل این مشکلات تغییر در ساختارهای رفتاری و کارکردی کنشگران از جمله و روابط مردم و مدیران محلی این مناطق است که نقش بسیار مؤثری بر توانمندسازی این سکونتگاه‌ها دارد. از این رو در توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی و مناطق کم‌برخوردار باید به دنبال این باشیم که موانع ذهنی، اجتماعی و مالی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی را از طریق آموزش، اشتغال‌زایی، افزایش توان مالی خانوارها و ایجاد امنیت برطرف سازیم (برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد^۱، ۲۰۰۲، ص. ۱۳). لذا به نظر می‌رسد در زمینه حل مشکلات سکونتگاه‌های غیررسمی، گروه‌ها و کنشگران متعددی به‌صورت بخش عمومی، خصوصی و حتی تعاونی دخیل هستند. این در حالی است که اغلب پژوهشگران بر این باورند که کنشگران توسعه و بهسازی اسکان غیررسمی باید با تلفیق ظرفیت‌های موجود، منجر به احیاء ظرفیت‌های کالبدی-فضایی و ارتقاء کیفیت زندگی شهری گردند (جوکیلتو^۲، ۲۰۱۶، ص. ۳۱). چراکه، مداخلات گسترده و پر دامنه در سکونتگاه‌های غیررسمی، از چنان حساسیت و اهمیتی برخوردار است که توفیق در آن ضرورتاً درگرو مشارکت و تعامل تمامی ذی‌نفعان حاضر (جامعه اصلی مخاطب؛ شامل ساکنان، شاغلان و رهگذران در محله)؛ ذی‌نفعان ناظر (جامعه عام مخاطب؛ شامل شهروندان، نهادهای مدیریت شهری و ارگان‌های دولتی) و ذی‌نفعان مسئول (کلیه اجزای ارکان سازمان‌های اجرایی و مدیریتی طرح) می‌باشد (حبیبی و مقصودی، ۱۳۹۵، ص. ۸۲). به همین دلیل است که شراکت بخش عمومی-خصوصی در سرمایه‌گذاری و اجرای نوسازی محلات مسئله‌دار با هدایت، حمایت و نظارت ارکان دولتی و عمومی، شاه‌کلید احیاء محلات ناکارآمد به شمار می‌رود (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۱). کنشگر واژه‌ای است که از زبان لاتین وارد ادبیات شهرسازی

1. Beard
2. UNEP
3. Jokilehto

شده است. کنشگران^۱ به افرادی اطلاق می‌شود که عملاً بر روی فرآیندهای شهری اثرگذار هستند، این افراد در حوزه‌های سرمایه‌گذاری؛ قدرت اقتصادی، در حوزه‌های سیاسی؛ قدرت سیاسی و در حوزه‌های اجتماعی؛ قدرت اجتماعی دارند و پیشران شهر هستند. به‌عنوان مثال رانمن^۲ (۱۹۶۴) معتقد است که کنشگران کسانی‌اند که برای دستیابی به اهداف شخصی خود به سازمان وابسته‌اند و سازمان برای بقای خود به آن‌ها وابسته است. طبق نظر هیل و جونز^۳ (۱۹۹۲) اعضای اصلی که ادعای مشروع بر سازمان دارند، رابطه‌ی آن‌ها با سازمان بر مبنای یک مبادله‌ی برابر به‌صورت تأمین منابع از سوی کنشگران و تأمین منافع آنان از سوی سازمان است (نجفی، ۱۴۰۰، ص. ۲۳). کنشگری یا اکتیویسم به فعالیت‌های مختلف در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و یا زیست‌محیطی باهدف ایجاد تغییر در این سامانه‌ها گفته می‌شود. فعالیت‌های مرتبط با کنشگری گسترده و وسیعی دارند و از نوشتن نامه‌های سرگشاده به روزنامه‌ها و سیاست‌مداران تا برگزاری کارزارهای سیاسی، بایکوت اقتصادی، راهپیمایی خیابانی، اعتصاب، تحصن و اعتصاب غذا را شامل می‌شود (توسلیان و حضرتی، ۱۳۹۸، ص. ۳). هاروی با تأکید بر مداخله فعال کنشگران زندگی شهری در امور مختلف، معتقد است که نوع شهری که می‌خواهیم بسازیم باید بازتاب آرزوها و نیازهای شهری ما باشد (ایرمانش و مختاری، ۱۳۹۴، ص. ۲۴۰). عبدالمالک سیمون^۴ در مورد شهرهای کشورهای در حال توسعه تحت عنوان (زیست غیررسمی) روابط میان دولت‌ها و شهروندان) که با رشد سریع شهری و گسترده بخش غیررسمی و شهرنشینی غیررسمی مرتبط است سخن می‌گوید و آنانیا^۵ روی (غیررسمی شدن) را به‌عنوان شیوه تولید فضایی که توسط منطق (مقررات زدایی ارضی) تعریف شده، تفسیر می‌کند (امیرحاجلو، ۱۳۹۶، ص. ۱۵۷). برخی از کنشگران تلاش می‌کنند تا به‌جای اعمال فشار بر دولت‌ها برای تغییر و بازنگری در قوانین، مردم را به تغییر رفتارشان ترغیب کنند (ابار^۶، ۲۰۱۲، ص. ۷). به‌طور کلی چهار عامل به‌عنوان کنشگران دخیل در بهسازی و توانمندسازی اسکان غیررسمی معرفی می‌شوند که عبارت‌اند از (مهران فر و دیگران، ۱۳۹۱، ص. ۱۶۶):

۱. دولت و سازمان‌های مربوط که بر اساس مواد قانونی و سیاست‌های دولت بر بهسازی و توانمندسازی تأکید

می‌ورزند؛

۲. شرکت‌های مختلف مجری که به‌عنوان مجری وارد این برنامه‌ها می‌شوند؛

۳. سرمایه‌گذارانی که عموماً از بیرون مناطق برای منافع اقتصادی وارد برنامه‌های نوسازی می‌شوند؛

1. Activists
2. Rhenman
3. Hill & Jones
4. AbdouMaliq Simone
5. Ananya Roy
6. Obar

۴. مردم ساکن و مالک در این محلات، قاعدتاً انتظار می‌رود سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادی بالایی نداشته باشند (همان). البته در کنار این چهار عامل نباید از نقش مؤسسات خیریه و نهادهای غیردولتی (سجادی و صادقی، ۱۳۸۷، ص. ۸) و مؤسسات بین‌المللی نظیر برنامه اسکان بشر ملل متحد^۱ با رهیافت‌هایی نظیر شهرهای بدون زاغه (پاک‌نژاد، ۱۳۹۹، ص. ۱۷)؛ حقوق مسکن، حق تصرف و مقابله با تخلیه اجباری (وزارت کشور، ۱۳۹۹، ص. ۳)؛ در امر توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی غافل شد؛ به طوری که سازمان بهزیستی، بنیاد شهید و امور ایثارگران و کمیته امداد امام خمینی ره به افراد تحت پوشش خود در این محدوده‌ها خدمات‌رسانی می‌کنند، اما مساجد و هیئت‌های مذهبی به کلیه افراد نیازمند تسهیلات ارائه داده و کمک‌رسانی می‌کنند و صندوق‌های قرض‌الحسنه مردم‌نهاد برپاشده در خانه‌های خود اهالی نیز در جهت کمک مالی به اعضای شرکت‌کننده در آن نقش مؤثری را دارد (عبادی و فتیحی، ۱۳۹۳، ص. ۲). در این تحقیق به بررسی و تحلیل ظرفیت‌های کارکردی و رفتاری کنشگران شهری در ساماندهی سکونتگاه غیررسمی محله اسلام‌آباد شهر زنجان و حرکت به سمت شهر بدون محلات ناکارآمد شهری به‌عنوان زاغه‌های مشکل‌آفرین در ابعاد کالبدی-فضایی پرداخته می‌شود. به‌طورکلی، محله اسلام‌آباد به‌عنوان سکونتگاه غیررسمی در بخش شمال غربی شهر زنجان با مساحت ۱۰۴ هکتار، دارای ۲۳۴۶۵ هزار نفر جمعیت (۵/۴ درصد جمعیت شهر زنجان) می‌باشد که حدود ۱/۸ درصد از کل مساحت شهر را شامل می‌شود. لذا به‌عنوان یک محله کاملاً متراکم شناخته می‌شود. لذا با توجه به درجه اهمیت این محدوده در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری زنجان، به نظر می‌رسد، یکی از پیش‌زمینه‌های اصلی تبیین و تحلیل مدیریت محلات ناکارآمد شهری و برچیده شدن زاغه‌نشین، شناسایی عوامل و نیروهای مهم و تأثیرگذار در اسکان غیررسمی به‌عنوان یک فرآیند برهم زننده تولید و ساماندهی شهر بدون زاغه در شهر زنجان است. لذا هدف این تحقیق، دستیابی به نقش کنشگران دخیل در اسکان غیررسمی از طریق مطالعات نظری و میدانی در محله اسلام‌آباد شهر زنجان است. این محله به‌عنوان یکی از محلات فرودست شهر زنجان، از نظر مدیریت شهری سکونتگاه غیررسمی خوانده می‌شود که ۷۱۲۴ خانوار با بعد ۳/۳ نفر در آن سکونت دارند (آمارنامه شهر زنجان، ۱۳۹۵). متن محله اسلام‌آباد از فرآیند تکوین متن شهر، با تغییرات ناگهانی و شتاب‌زده، تخریب‌های بولدوزری و از میان رفتن بخشی از واژگان و ارتباط فضایی بین آن‌ها مواجه بوده است؛ اما این محله تنها نمونه موفق از سکونتگاه‌های مسئله‌دار است که توانست از حاشیه به متن تبدیل شود. هدف از رشد چنین محله‌ای سکونت افراد فقیر و روستایی بوده و به دلیل موقعیت خاص تبدیل به منطقه‌ای مطلوب برای دادوستد شد؛ اما باز یک چیزی کم است که با توجه به اینکه اصولی و برنامه‌ریزی شده بنا نشده بازهم در حاشیه متن قرار می‌گیرد. بدین ترتیب با تغییرات سریع و سوء مدیریت‌ها متن سکونتگاه‌های مسئله‌دار تبدیل به اهداف بازیگران آن‌ها گردید. از این رو، سؤال اصلی تحقیق این است که نقش کنشگران عمومی - خصوصی در ساماندهی اسکان غیررسمی محله اسلام‌آباد شهر زنجان چگونه بوده است؟

۲. روش شناسی

این تحقیق از لحاظ هدف توسعه‌ای و از نظر روش توصیفی-تحلیلی است. گردآوری اطلاعات نیز با روش کتابخانه‌ای و میدانی با ابزار پرسشنامه انجام شد. جامعه آماری تحقیق شامل ساکنین سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زنجان است اما با توجه به تخصصی بودن موضوع، از جامعه آماری متخصصین از روش دلفی برای توزیع پرسشنامه بهره گرفته شده است. شیوه نمونه‌گیری از نوع غیر احتمالی^۱ و به صورت نمونه‌گیری گلوله برفی^۲ بوده است.^۳ در این تحقیق گروه متخصصین شامل اساتید دانشگاه، دانشجویان دکتری برنامه‌ریزی شهری، شهرسازی و اقتصاد و کارشناسان ارشد سازمان‌های متولی مدیریت شهری است. در این راستا، هیچ قانون صریحی در مورد تعداد متخصصان وجود ندارد و بسته به هدف دلفی، وسعت، زمان جمع‌آوری داده‌ها و منابع در دسترس، تعداد شرکت‌کنندگان معمولاً بین ۱۵ تا ۵۰ نفر برآورد می‌شود (ویندل، ۲۰۰۴). در نوشتار حاضر این تعداد بر اساس محدودیت همکاری و شرایط کرونایی ۲۵ نمونه آماری تعیین گردیدند. شاخص‌های تحقیق نیز مبتنی بر مؤلفه‌های مؤثر بر ساماندهی و توانمندسازی اسکان غیررسمی شهری در قالب ۴ مؤلفه اصلی (به انتخاب جامعه آماری متخصصین در چهار مرحله دلفی) است (جدول ۱). روایی پرسشنامه توسط ۱۰ متخصص برنامه‌ریزی شهری تأیید شد. پایایی نیز طبق فرمول آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۰۴ برآورد شد که قابل قبول است.

1. Random Sampling

2. Snowball Sampling

۳. نمونه‌گیری گلوله برفی زمانی استفاده می‌شود که تمرکز تحقیق بر روی درک پیچیدگی یک قضیه یا اتفاق است. در آن‌ها همه اعضا شانس انتخاب شدن ندارند و شانس هر عضو هم مشخص نیست؛ و در آن تعداد محدودی نمونه انتخاب می‌شوند و از آن‌ها خواسته می‌شود، افرادی که ویژگی مشابه دارند معرفی شوند.

4. Windle

جدول ۱. ابعاد و شاخص‌های تبیین‌کننده ساماندهی و توانمندسازی اسکان غیررسمی شهر زنجان

ابعاد	شاخص
اسکان غیررسمی	اجتماعی- فرهنگی پیوستگی، امنیت، حس تعلق مکانی و شناخت محله، تعهدپذیری نسبت به جامعه محلی، مشارکت، سرزندگی، احترام به قانون و حقوق دیگران،
	اقتصادی تنوع فعالیت، دسترسی به خدمات شهری، تسریع در جابه‌جایی و ترابری، مالکیت زمین، تناسب هزینه و درآمد، شیوه خرید و فروش مسکن
	کالبدی سیمای ظاهری ساختمان‌ها و بلوک‌ها، سیمای معابر، وضعیت کاربری معابر، سرانه کاربری‌های خدماتی، زیبایی‌شناسی مسکن، مساحت مسکن، استحکام مسکن، نفوذپذیری مسکن، تناسب فضای درون مسکن با نیازهای ساکنین، سلسله‌مراتب معابر محله، برخورداری محله از مبلمان شهری
زیست‌محیطی	محیط طبیعی، بهداشت عمومی محله، وضعیت دفع آب‌های سطحی و فاضلاب خانه‌ها و معابر، وجود حیوانات و حشرات موزی در محله، کیفیت آب شرب، وجود کاربری‌های ناسازگار و مزاحم، آلودگی
کنشگران شهری	شهرداری زنجان؛ نهادهای محلی (سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO)، انجمن خیریه مهرانه و شورای شهر زنجان)؛ سرمایه‌گذاران بخش خصوصی؛ ساکنین محله؛ دفاتر اسناد رسمی؛ بنگاه‌ها

مأخذ: (کاویانی، ۱۳۹۷؛ چیم، ۱۳۹۷؛ صرافی، ۱۳۸۲؛ حیدری، ۱۳۹۵؛ آنامرادنژاد و ملکشاهی، ۱۳۹۳؛ رضازاده و همکاران، ۱۳۹۱؛

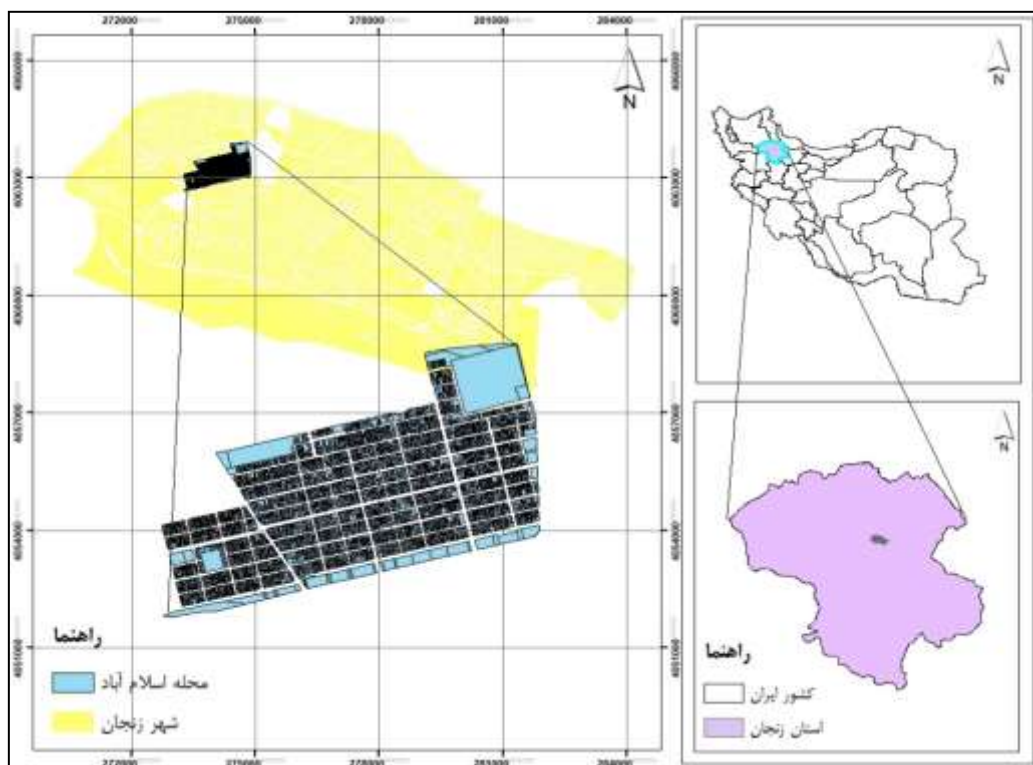
شیخی و نوری کیا، ۱۳۹۶؛ زنگی آبادی و همکاران (۱۳۹۴)؛ گارای، ۲۰۱۴؛ کاستلز، ۲۰۰۹)

برای تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل عاملی، مدل معادلات ساختاری و مدل چندموضوع-چندبازیر با کمک نرم‌افزارهای SPSS، Lisrel و Mactor استفاده شده است. ابتدا با تحلیل عاملی میزان اشتراکات واریانس مشترک یک متغیر با سایر متغیرها بررسی شد و متغیرهای کم‌اهمیت حذف گردید. سپس روابط علی بین مؤلفه‌های تحقیق با استفاده از مدل معادلات ساختاری سنجیده شد. تا میزان ارتباط کنشگران با شاخص‌های مؤثر بر ساماندهی اسکان غیررسمی تأیید گردد. بعد از مشخص شدن روابط علی کنشگران و شاخص‌ها، با استفاده از مدل چندموضوع-چندبازیر، نقش و کیفیت تأثیر کنشگران در ساماندهی سکونتگاه غیررسمی اسلام‌آباد بررسی و تحلیل گردید. روش مکتور اختصار (ماتریس شرکا و تعارضات: اقدامات، اهداف و پیشنهادات^۳) است. این مدل مبتنی بر اثرات داخلی بازیران به منظور دستیابی به چشم‌اندازهای کلان پیامدها و اهمیت موضوعات مختلف شهری، روابط بین کنشگران مؤثر و اشتراکات و تناقض‌های بالقوه در آینده بکار گرفته شده است.

محله اسلام‌آباد در بخش شمال غربی شهر زنجان به‌عنوان مرکز استان زنجان در شمال غرب کشور قرار دارد. جمعیت شهر زنجان ۴۳۱۷۸۰ نفر است و جمعیت محله اسلام‌آباد نیز ۲۳۴۶۵ نفر (۵/۴ درصد جمعیت شهر) (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). این محدوده با مساحت ۱۰۴ هکتار، تقریباً ۱/۸ درصد از کل مساحت شهر (۶۱۶۹/۷۷ هکتار) را شامل می‌شود. محله‌ی اسلام‌آباد یکی از متراکم‌ترین محلات شهر زنجان است و بر اساس آمارنامه شهرداری زنجان

1. Garau
2. Castells
3. Matrix of Alliances and Conflicts: Tactics, Objectives and Recommendations

(۱۳۹۶)، ۵/۴۴ درصد جمعیت شهر زنجان در محله‌ی اسلام‌آباد سکونت دارند. از سوی دیگر این محله با ۱۲۰/۵۴ هکتار مساحت، ۱/۹۵ درصد از مساحت شهر زنجان را در بر گرفته است (نجفی، ۱۴۰۰، ص. ۹۱).



شکل ۱. نقشه موقعیت محدوده مورد مطالعه

۳. یافته‌ها

یافته‌های تحقیق در مرحله اول مربوط به تحلیل عاملی تأییدی و مشخص کردن خروجی اصلی شاخص‌های مرتبط با موضوع تحقیق و ضریب استاندارد تأثیرگذاری آنها است. در این آزمون ابتدا میزان اعتبار با ضریب KMO و آزمون بارتلت مورد بررسی قرار گرفت. طبق این ضریب، برای آنکه یک مدل عاملی، مفید و دارای معنا باشد، لازم است متغیرها همبسته باشند. لذا بررسی آزمون کروییت بارتلت و ضریب (KMO) نشان می‌دهد که مقدار KMO مربوطه، بالاتر از ۰/۵ بوده و برای تحلیل عاملی داده‌های مربوطه مناسب می‌باشند. همچنین مقدار سطح معناداری نیز کمتر از ۰/۵ است که این عامل نیز تعمیم‌پذیری آزمون را تأیید می‌نماید. از طرفی مقدار x^2/df محاسبه شده ۲/۱۴ می‌باشد؛ با عنایت بر اینکه عدد به دست آمده بزرگ‌تر از ۱/۹۶ می‌باشد، لذا قابل استنباط است که مدل علی در نظر گرفته شده برای تبیین شاخص‌ها دارای برازش نکوئی مناسب می‌باشد (جدول ۲).

جدول ۲. مقادیر کایزر مییر اولکین و بارتلت (KMO)

مقادیر کفایت نمونه کایزر مییر اولکین (KMO)	مقادیر کفایت نمونه کایزر مییر اولکین (KMO)	
۰/۶۴۳	کای اسکوتر	آزمون کروییت بارتلت
۵۱/۳۷	درجه آزادی	
۲۴	سطح معناداری	
۰/۰۰۰		

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

طبق یافته‌های ارائه‌شده در تحلیل عاملی، اولین خروجی، جدول مربوط به هر متغیر است که نشان می‌دهد میزان اشتراکات واریانس مشترک یک متغیر با سایر متغیرهای به کار گرفته‌شده در تحلیل چقدر است (جدول ۳). هرچقدر میزان آن در هر شاخص بالاتر باشد، نشان می‌دهد که آن شاخص دارای ارتباط بیشتری با سایر شاخص‌های به کار گرفته‌شده در موضوع است و از نظر جامعه آماری در مدیریت اسکان غیررسمی و تبیین نقش کنشگران اهمیت بیشتری دارد. در این مرحله شاخص‌هایی که مقادیر عددی آن‌ها بیشتر از ۰/۴ باشد، درجه اهمیت مطلوب و مؤثرتری دارند. خروجی جدول سه نشان می‌دهد که ۲۱ شاخص بار عاملی بالای ۰/۴ دارند؛ در نتیجه، درجه اهمیت مطلوب و مؤثری در زمینه ساماندهی اسکان غیررسمی دارند؛ و این شاخص‌ها را می‌توان در تبیین نقش کنشگران در تولید فضای شهری بدون اسکان غیررسمی بکار گرفت.

بدین ترتیب، در بُعد اجتماعی شاخص «امنیت» با بار عاملی ۰/۶۶۵ بیشترین ارتباط و همبستگی را با ساماندهی اسکان غیررسمی محله اسلام‌آباد داشته است. لذا مدیریت اسکان غیررسمی در وهله اول، امنیت و آسیب‌های اجتماعی را در محله اسلام‌آباد می‌تواند کاهش دهد و از این طریق می‌توان سایر شاخص‌های اجتماعی محله را تحت تأثیر قرارداد. در مقابل نیز شاخص‌های «پیوستگی»؛ «تعهدپذیری»؛ و «احترام به قانون» دارای بار عاملی کمتر از ۰/۴ بودند و از چرخه تحلیل خارج می‌شوند. در نتیجه از نظر جامعه آماری، ساماندهی اسکان غیررسمی محله اسلام در شاخص‌های فوق چندان مرتبط نیست؛ و این عوامل تحت تأثیر مؤلفه‌های دیگر است.

در بُعد اقتصادی شاخص «شیوه خرید و فروش مسکن» با بار عاملی ۰/۷۱۳ بیشترین ارتباط و همبستگی را با ساماندهی اسکان غیررسمی محله اسلام‌آباد داشته است. لذا مدیریت اسکان غیررسمی در بُعد اقتصادی، نوع معاملات مسکن را در محله اسلام‌آباد می‌تواند متحول کند؛ و از این طریق می‌توان سایر شاخص‌های اقتصادی محله را تحت تأثیر قرارداد. در مقابل نیز شاخص «تسریع در جابه‌جایی» دارای بار عاملی کمتر از ۰/۴ بود و از چرخه تحلیل خارج گردید. در نتیجه از نظر جامعه آماری، ساماندهی اسکان غیررسمی محله اسلام در شاخص فوق چندان مرتبط نیست.

در بُعد زیست‌محیطی شاخص «بهداشت عمومی محله» با بار عاملی ۰/۷۴۳ بیشترین ارتباط و همبستگی را با ساماندهی اسکان غیررسمی محله اسلام‌آباد داشته است. لذا مدیریت اسکان غیررسمی در بُعد زیست‌محیطی، بهداشت و نظافت محیط عمومی را در محله اسلام‌آباد می‌تواند بهبود بخشد و از این طریق می‌توان سایر شاخص‌های زیست‌محیطی محله را تحت تأثیر قرارداد. در مقابل نیز شاخص‌های «وجود حیوانات موذی»؛ «کیفیت

آب شرب»؛ و «محیط طبیعی» دارای بار عاملی کمتر از ۰/۴ بودند و از چرخه تحلیل خارج می‌شوند. در نتیجه از نظر جامعه آماری، ساماندهی اسکان غیررسمی محله اسلام در شاخص‌های فوق چندان مرتبط نیست؛ و این عوامل تحت تأثیر مؤلفه‌های دیگر است.

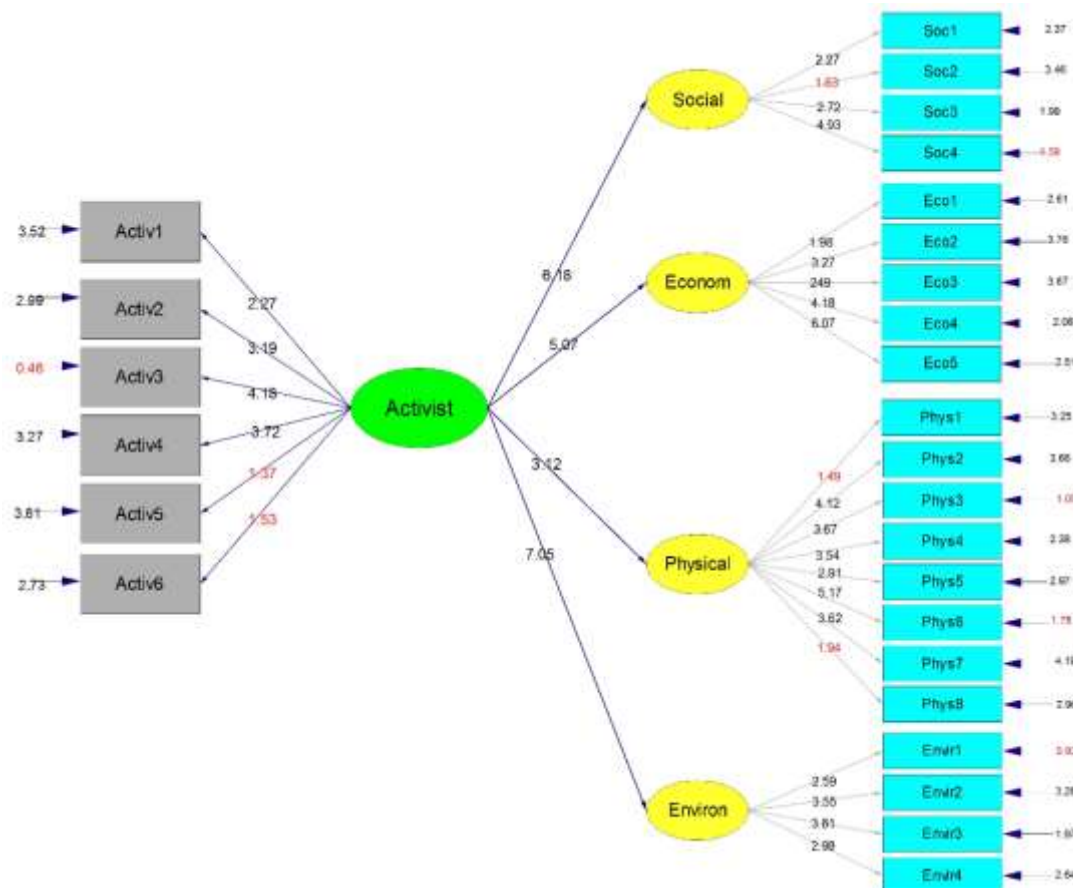
در بُعد کالبدی نیز شاخص «استحکام مسکن» با بار عاملی ۰/۷۴۶ و «تناسب مسکن با نیاز ساکنین» با بار عاملی ۰/۷۴۷ بیشترین ارتباط و همبستگی را با ساماندهی اسکان غیررسمی محله اسلام‌آباد داشته است. لذا مدیریت اسکان غیررسمی در بُعد کالبدی، بهسازی و توسعه مسکن را در محله اسلام‌آباد می‌تواند ساماندهی کند و از این طریق می‌توان سایر شاخص‌های کالبدی به‌ویژه در بخش مسکن محله را تحت تأثیر قرارداد. در مقابل نیز شاخص‌های «سیمای ساختمان‌ها»؛ «سیمای معابر»؛ و «مبلمان شهری» دارای بار عاملی کمتر از ۰/۴ بودند و از چرخه تحلیل خارج می‌شوند. در نتیجه از نظر جامعه آماری، ساماندهی اسکان غیررسمی محله اسلام‌آباد در شاخص‌های فوق چندان مرتبط نیست؛ و این عوامل تحت تأثیر مؤلفه‌های دیگر است.

جدول ۳. وضعیت توزیع و رتبه‌بندی شاخص‌های مؤثر بر ساماندهی اسکان غیررسمی با تحلیل عاملی

تأثیرپذیر	عامل	تأثیرپذیر	عامل	
۰/۱۶۲	وجود حیوانات موزی	۰/۲۶۶	پیوستگی	اجتماعی
۰/۲۵۴	کیفیت آب شرب	۰/۶۶۵	امنیت	
۰/۴۸۷	کاربری‌های ناسازگار و مزاحم	۰/۵۵۶	حس تعلق مکانی	
۰/۵۵۶	آلودگی هوا	۰/۳۸۸	تعهدپذیری	
۰/۳۱۹	سیمای ساختمان‌ها	۰/۵۲۹	مشارکت	اقتصادی
۰/۶۴۹	وضعیت کاربری معابر	۰/۵۷۶	سرزندگی	
۰/۳۸	سیمای معابر	۰/۲۳۴	احترام به قانون	
۰/۶۲۵	سرانه کاربری خدماتی	۰/۶۰۳	تنوع فعالیت	
۰/۴۲۲	زیبایی‌شناسی مسکن	۰/۶۵	دسترسی به خدمات شهری	زیست‌محیطی
۰/۵۸۶	مساحت مسکن	۰/۳۳۸	تسریع در جابه‌جایی	
۰/۷۴۶	استحکام مسکن	۰/۵	تناسب هزینه و درآمد	
۰/۶۸۲	نفوذپذیری مسکن	۰/۷۱۳	شیوه خرید و فروش مسکن	
۰/۷۴۷	تناسب مسکن با نیاز ساکنین	۰/۶۹۵	مالکیت زمین	زیست‌محیطی
۰/۶۸۴	سلسله‌مراتب معابر محله	۰/۲۹۶	محیط طبیعی	
۰/۳۴۵	مبلمان شهری	۰/۷۴۳	بهداشت عمومی محله	
-	-	۰/۵۳۱	دفع آب‌های سطحی و فاضلاب	

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

با توجه به ابعاد پنج‌گانه تحقیق و عوامل مؤثر بر آن، با استفاده از مدل معادلات ساختاری و نرم‌افزار Lisrel اقدام به تعیین میزان تبیین و پیش‌بینی کنندگی نقش کنشگران در ساماندهی سکونتگاه غیررسمی محله اسلام‌آباد شهر زنجان تحت تأثیر روابط علی بین مؤلفه‌های پنج‌گانه شده است. بدین ترتیب، برای بررسی معنی‌دار بودن رابطه میان ابعاد مختلف با متغیر کنشگران از یک‌سو و از سوی دیگر، رابطه بین شاخص‌های مربوط به هر یک از ابعاد پنج‌گانه با یکدیگر و در نتیجه معنی‌دار بودن مسیر تأثیرگذاری از آماره‌های استاندارد t استفاده گردید. بر مبنای محاسبات، کنشگران بیشترین تأثیر و روابط علی را با شاخص زیست‌محیطی با ضریب استاندارد 0.7 داشته‌اند. بعد از آن نیز شاخص اجتماعی با ضریب استاندارد 0.618 قرار دارد. در نتیجه می‌توان گفت در زمینه ساماندهی اسکان غیررسمی، کنشگران نتوانسته‌اند تأثیر قابل توجهی در ابعاد کالبدی داشته باشند و این مسئله با ضریب 0.312 در رتبه آخر قرار دارد؛ و نیازمند بازنگری جدی است. از طرفی، طبق نتایج به‌دست آمده از مدل معادلات ساختاری (شکل ۲)، مقدار x^2/df محاسبه شده $2/14$ می‌باشد؛ با عنایت بر اینکه عدد به‌دست آمده بزرگ‌تر از 1.96 می‌باشد، لذا قابل استنباط است که مدل علی در نظر گرفته شده برای تبیین شاخص‌های مؤثر بر «ساماندهی اسکان غیررسمی» دارای برآزش نکوئی مناسب می‌باشد. بر مبنای یافته‌های نمودار فوق متغیرهای «مشارکت» در بُعد اجتماعی و شاخص‌های «سرانه کاربری خدماتی» و «زیبایی‌شناسی مسکن» در بُعد کالبدی دارای ضریب استاندارد کمتر از $1/96$ هستند. لذا پایین بودن معناداری این شاخص‌ها، دلیل بر ضعیف بودن عملکرد آن‌ها در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی است و باید برنامه‌ریزی جدایی در این باره صورت گیرد. از طرفی شاخص‌های «بنگاه و مؤسسات ثبت‌اسناد» و «نهادهای محلی» نیز در بین کنشگران با ضریب استاندارد کمتر از $1/96$ ، دارای نقش و عملکرد ضعیفی است و به نظر می‌رسد که ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی، ارتباط چندانی به عملکرد این کنشگران ندارد.



شکل ۲. مدل معادلات ساختاری روابط علی بین متغیرها و کنشگران با نرم‌افزار Lisrel

بعد از مشخص شدن عوامل اصلی و تأثیرگذار بر ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی در محله اسلام‌آباد شهر زنجان و چگونگی روابط علی بین متغیرها و کنشگران، به‌منظور مشخص کردن سهم هر یک از کنشگران در ساماندهی محله اسلام‌آباد شهر زنجان بر اساس مؤلفه‌های تعیین‌شده، از مدل چند موضوع -چند بازیگر در قالب نرم‌افزار مکتور استفاده شده است. این مدل برای تبیین نیروهای تأثیرگذار بر جریان شکل‌گیری ساخت شهری به‌واسطه نیروهای محرکه استفاده شده است؛ و بیان می‌کند که کدام‌یک از بازیگران در قالب برنامه‌ریزی ساختاریافته و یا فاقد طرح در روند شکل‌دهی فضای کنونی بر اساس پیشران‌های اصلی تأثیر بیشتری دارند. مدل‌های چند موضوع -چند بازیگر در مواقعی کاربرد دارند که چند بازیگر در مقابل تعدادی از موضوعات قرار دارند که تکامل آن‌ها در آینده نامعلوم بوده و پیش‌بینی آن سخت است. هدف این مدل‌ها دستیابی به درک بهتر از این موقعیت‌ها و چگونگی تکامل آن‌ها از طریق محاسبه و ملاحظه کردن نفع و اهداف ذینفعان مختلف و روابط بین آن‌ها است. در این رابطه ماتریس جدول چهار میزان اهمیت هر یک از ابعاد پنج‌گانه بر اساس نقش کنشگران در تقویت یا تضعیف آن توسط پانل دلفی مشخص شده است.

جدول ۴. ماتریس بازیگران- اهداف بر اساس وزن دهی تحلیل دلفی

Li	سایر ادارات	بنگاه و مؤسسات ثبت اسناد	بخش خصوصی	ساکنین محل	نهاد محلی	شهرداری	کنشگر شاخص
۱۸	۱	۱	۲	۴	۵	۵	امنیت
۱۶	۲	۱	۳	۳	۴	۳	حسن تعلق مکانی
۲۰	۳	۱	۴	۵	۵	۲	مشارکت
۱۷	۳	۱	۳	۴	۳	۳	سرزندگی
۱۸	۳	۱	۴	۴	۳	۳	تنوع فعالیت
۲۰	۳	۲	۴	۳	۴	۴	دسترسی به خدمات شهری
۱۳	۱	۱	۳	۴	۳	۱	تناسب هزینه و درآمد
۲۷	۳	۵	۵	۵	۴	۵	شیوه خرید و فروش مسکن
۲۴	۳	۴	۵	۵	۳	۴	مالکیت زمین
۱۹	۳	۱	۳	۴	۴	۴	بهداشت عمومی محل
۱۶	۱	۱	۲	۴	۳	۵	دفع آب‌های سطحی و فاضلاب
۲۰	۴	۱	۴	۳	۴	۴	کاربری‌های ناسازگار و مزاحم
۱۳	۲	۲	۲	۲	۲	۳	آلودگی هوا
۱۵	۲	۱	۳	۳	۲	۴	وضعیت کاربری معابر
۱۹	۴	۲	۳	۱	۴	۵	سرنانه کاربری خدماتی
۲۰	۲	۳	۴	۵	۳	۳	زیبایی‌شناسی مساکن
۲۳	۲	۴	۴	۵	۳	۵	مساحت مسکن
۲۱	۲	۳	۵	۵	۲	۴	استحکام مسکن
۱۶	۱	۲	۲	۳	۳	۵	نفوذپذیری مسکن
۱۹	۱	۳	۲	۵	۳	۵	تناسب مسکن با نیاز ساکنین
۸	۱	۱	۱	۱	۱	۳	سلسله‌مراتب معابر محل
	۴۷	۴۱	۶۸	۷۸	۶۸	۸۰	Di

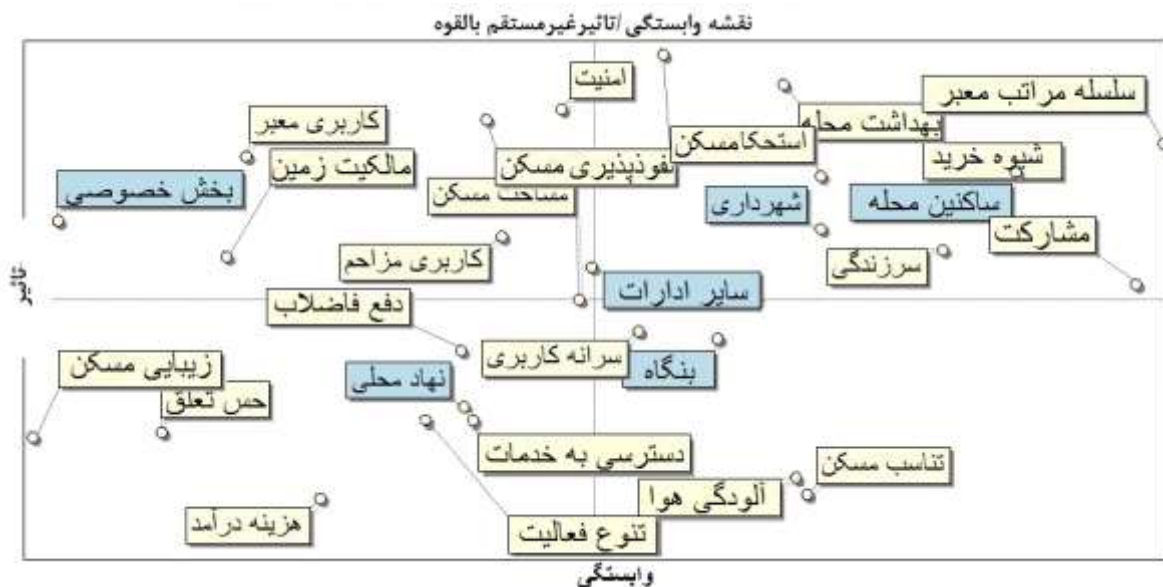
مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۴. بحث

تحلیل مؤلفه‌های اصلی و کنشگران در نرم‌افزار مکتور نشان می‌دهد که مدیریت شهری با محوریت برنامه‌ریزی متمرکز و دولتی در شکل‌دهی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی در قالب اقدامات و پروژه‌های کالبدی-فضایی، نقش دوجانبه داشته است و با همکاری سایر ادارات و ساکنین محل و همچنین بخش خصوصی در قالب شرکت‌ها و مؤسسات بسازوبفروش در قالب سیاست‌های تولید فضای شهری بدون زاغه، می‌تواند برنامه‌های موردنظر و توسعه محور خود را با استفاده از تجمیع پلاک‌ها و ساخت‌وساز مغایر با اصول استاندارد شهرسازی اجرا کند. از طرفی

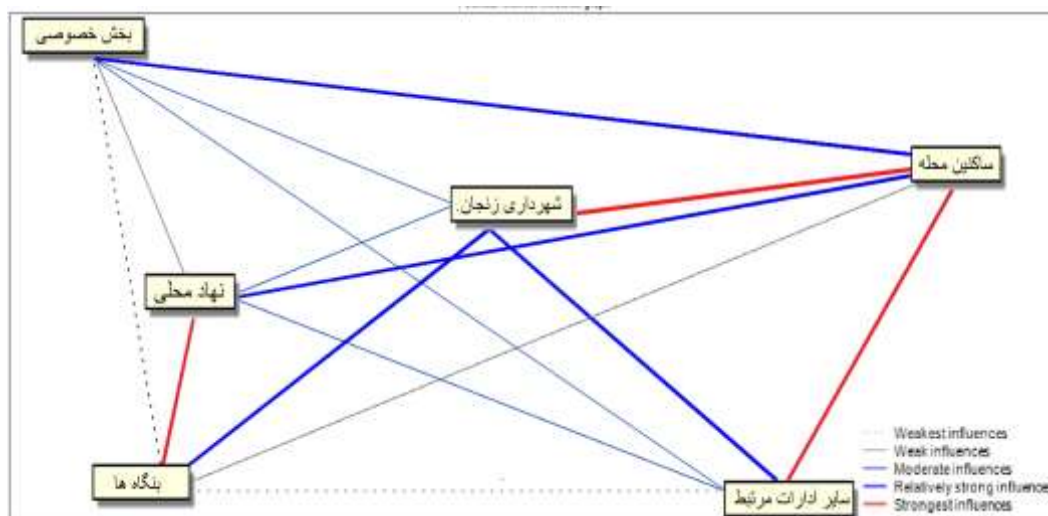
بخش خصوصی در قالب شرکت‌های ساخت‌وساز بانفوذ در بدنه دولت و دریافت تسهیلات و معافیت‌های مختلف، بر اساس ماتریس بردار در شکل ۲ بعد از شهرداری و ساکنین محله، نقش غالب داشته است.

طبق ماتریس بازیگران، موقعیت کنشگران و پیشران‌ها به چهار بخش تقسیم می‌گردد، در بخش یک، بازیگران و شاخص‌های دوجانبه قرار دارد. در نتیجه «شهرداری و ساکنین محله» و علاوه بر آن پیشران‌های «استحکام مسکن، شیوه خریدوفروش مسکن، مشارکت» به‌عنوان، مؤلفه‌هایی با تأثیر دوجانبه در شکل دهی به تحولات کالبدی-فضایی در قالب ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی هستند و برای کنترل تحولات کالبدی باید عملکرد دولت در سیاست‌های توسعه زمین و مسکن و همچنین تخلفات مالکین و بخش خصوصی در ساخت واحدهای مسکونی غیراستاندارد موردبازنگری قرار گیرد. همچنین، باید بین شهرداری-مالکان-نمایندگان مردم (نهادهای محلی مانند شورای محله و سرای محله)، یک تعادل کارکردی برقرار شود و همه نیروها از سیستم برنامه‌ریزی فضایی و پروژه‌های توسعه زمین و مسکن به یک اندازه برخوردار شوند؛ و تجمیع پلاک‌ها و ساخت‌وسازها نیز باید در چارچوب ضوابط شهرسازی انجام گیرد. تا علاوه بر ساماندهی محله، نحوه ساخت‌وساز و خریدوفروش مسکن نیز ساماندهی گردد. علاوه بر این، بخش دوم ماتریس نیز به بازیگران-موضوع «غالب» اختصاص دارد. این بازیگران و شاخص‌ها نقش بسیار کلیدی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی دارند و باید در برنامه‌ریزی‌های کالبدی و اقتصادی-اجتماعی شهر، شاخص‌های این بخش از ماتریس موردبازنگری جدی قرار گیرد. در این رابطه، بازیگران این بخش ماتریس شامل «بخش خصوصی» و پیشران‌ها نیز شامل «مساحت مسکن، وضعیت کاربری معابر، کاربری‌های ناسازگار و مزاحم، امنیت» می‌باشد. بخش سوم نیز شامل بازیگران مستقل مانند «نهادهای محلی» و پیشران‌های «حس تعلق مکانی و تناسب هزینه و درآمد» است و در نهایت بخش چهارم نیز شامل بازیگران مغلوب مانند «بنگاه‌ها و مؤسسات مرتبط با خریدوفروش و تنظیم سند از جمله دفاتر اسناد رسمی» و پیشران‌های «تناسب مسکن با نیاز ساکنین و سرانه کاربری خدماتی» می‌باشد. بازیگران و پیشران‌های این بخش، تحت تأثیر مؤلفه‌ها و بازیگران دیگر به‌ویژه شهرداری و ساکنین محله، نتوانسته‌اند تأثیر قابل توجهی در ساماندهی اسکان غیررسمی محله اسلام‌آباد داشته باشند و بیشتر تابع برنامه‌ریزی متمرکز و دولتی شهر و حتی استان بوده‌اند.



شکل ۳. نقشه روابط بین بازیگران و اهداف

در نهایت آخرین خروجی مدل نشان می‌دهد که بازیگران و کنشگران اصلی ساماندهی اسکان غیررسمی محله اسلام‌آباد در شهر زنجان، چگونه تحت روابط متقابل، بر رفتار و کنش‌های یکدیگر جهت رسیدن به اهداف خود تأثیر می‌گذارند. در این زمینه، بررسی‌ها نشان می‌دهد که «شهرداری» با استفاده از نفوذ و اعمال قدرت در سایر سازمان‌های دخیل در ساماندهی اسکان غیررسمی، به واسطه ناآگاهی و فقر اقتصادی ساکنین محله و ضعف عملکردی نهادهای محلی، اجازه ساخت خانه‌های فرسوده و کم استحکام با مساحت کم و بدون اسناد رسمی، توانسته است نقش قابل توجهی در توسعه این قبیل محلات داشته باشد. لذا ساماندهی اسکان غیررسمی محله اسلام‌آباد باید با تجدید ساختار و اصلاح ضوابط شهرسازی در راستای تولید فضای شهری منطبق با نیازهای شهروندان حرکت نماید. در این رابطه، عده‌ای سرمایه‌داران سودجو، با نادیده گرفتن ضوابط شهرسازی و پرداخت جریمه، اقدام به خرید و فروش و ساخت واحدهای مسکونی با متراژ پایین و تفکیک و قطعه‌بندی واحدهای بزرگ‌تر، جهت رسیدن به حداکثر سود نموده‌اند. در این رابطه، همان‌طور که شکل ۴ نشان می‌دهد، نقش شهرداری در این زمینه بسیار پررنگ است و رابطه مستقیم و بسیار قوی با بخش خصوصی دارد. از طرفی بنگاه‌ها و بخش خصوصی تأثیر بسیار ضعیفی در ساماندهی اسکان غیررسمی محله اسلام‌آباد دارد و روابط ناکارآمدی با سایر کنشگران داشته است؛ و این یک نقطه ضعف در عملکرد کنشگران فوق است. از طرفی نقش نهادهای محلی نیز، یک نقش بینابین و متوسط بوده است که تنها، به مشورت با مردم و ادارات جهت انتقال مشکلات موجود در محله به سازمان‌های مربوطه بسنده کرده‌اند؛ و همان‌طور که در شکل ۴ دیده می‌شود، مثلث روابط بین ساکنین محله، شهرداری و سایر ادارات مرتبط با اسکان غیررسمی، نیز مؤید این مطلب است. از طرفی، نهادهای محلی نیز بسیار ضعیف عمل کرده است.



شکل ۴. نحوه همگرایی بین کنشگران ساماندهی اسکان غیررسمی محله اسلام‌آباد در شهر زنجان

۵. نتیجه‌گیری

زیست غیررسمی بودگی از جلوه‌های بارز فقر شهری است که در شکل برنامه‌ریزی نشده و ناموزون درون یا اطراف شهرها ظاهر شده و از نظر حق مالکیت، شرایط زندگی، تراکم، ترکیب خانواده، سطح امنیت و پیشرفت و میزان تغییر از شرایط متنوعی برخوردار است. این سکونتگاه‌ها تحت تأثیر بازی‌های سیاسی هستند که توسط بازیگران آن مبتنی بر ایدئولوژی‌ها و قدرت‌های مختلف شکل گرفته‌اند. کشف گفتمانی مطلوب بر اساس گونه‌های زبان‌شناسی به‌عنوان نشانه‌ای از نزدیک شدن به تبیین و خوانش معنای واقعی آن‌هاست. چالش‌های موجود در مناطق حاشیه‌نشین و فقیر شهری تنها با پول و مسائل کالبدی امکان‌پذیر نیست، بلکه مهم‌ترین راهکار برای حل این مشکلات تغییر در ساختارهای رفتاری و کارکردی کنشگران از جمله و روابط مردم و مدیران محلی این مناطق است که نقش بسیار مؤثری بر توانمندسازی این سکونتگاه‌ها دارد. در این رابطه، می‌توان اظهار نمود این سکونتگاه‌ها، زائده ضعف ساختارهای کالبدی-فضایی شهری است که به‌واسطه مدیریت ضعیف شهری و نارسائی در ضوابط و مقررات اجرائی شهرها به وجود می‌آید؛ و به علت عدم پویایی این محلات در نتیجه ضعف اقتصادی و نارسائی‌های اجتماعی-فرهنگی، به‌مرور این قبیل محلات نقش چندانی در توسعه شهری ایفا نمی‌کنند و به‌عنوان موانع توسعه اجتماعی-اقتصادی و کالبدی شهر تبدیل می‌شوند. با توجه به اینکه، کنشگران باهدف ایجاد تحولات کالبدی-فضایی در مقیاس‌های مختلف، اقدام به زمینه‌سازی در موضوعات متنوعی چون نوشتن نامه‌های سرگشاده به روزنامه‌ها و سیاست‌مداران تا برگزاری کارزارهای سیاسی می‌کنند؛ می‌توانند نقش قابل‌توجهی در برنامه‌ریزی مدیریت برنامه‌ها و پروژه‌های شهری داشته باشند. در این رابطه، لمپرت (۲۰۱۵) بر حذف تدریجی اسکان غیررسمی؛ فاروق حسن (۲۰۱۷) بر رشد عدالت اجتماعی بین محلات؛ و ماگالهااس و ادواردو (۲۰۱۷) بر تحکیم

قانون مالکیت زمین و ارائه تسهیلات به فقرا؛ و در نهایت صفرآبادی و دیگران (۱۳۹۵) بر توانمندسازی محله به صورت زیست‌محیطی، اجتماعی، آموزشی، درمانی، مشارکتی با محوریت مداخله کنشگران تأکید می‌کنند.

یافته‌های میدانی و تحلیلی تحقیق نشان داد که بر مبنای نظرات پنل تخصصی و آزمون تحلیل عاملی، شاخص‌های وجود حیوانات موذی؛ کیفیت آب شرب؛ پیوستگی؛ تعهدپذیری؛ سیمای ساختمان‌ها؛ احترام به قانون؛ سیمای معابر؛ تسریع در جابه‌جایی؛ محیط طبیعی؛ مبلمان شهری دارای بار عاملی کمتر از ۰٫۴ بودند در نتیجه نمی‌توانند در ساماندهی محلات اسکان غیررسمی به‌ویژه محله اسلام‌آباد تأثیر مطلوبی داشته باشند. لذا این شاخص‌ها کارکرد روبنایی داشته و در ریشه‌یابی مشکلات تأثیرگذار نیستند. از طرفی مدل معادلات ساختاری نیز نشان داد که شاخص‌های «ساماندهی اسکان غیررسمی» با بار عاملی بالاتر از ۱٫۹۶، در قالب روابط علی با یکدیگر و ضریب تأثیرگذاری مطلوب کنشگران، توانایی تبیین و پیش‌بینی به‌منظور چگونگی ساماندهی و حل مشکلات محله اسکان غیررسمی اسلام‌آباد را دارا می‌باشند. در نهایت، تبیین روابط کنشگران و تأثیر آن‌ها بر ساماندهی اسکان غیررسمی با مدل مکتور نشان داد که «شهرداری و ساکنین محله» و علاوه بر آن پیشران‌های «استحکام مسکن، شیوه خرید و فروش مسکن، مشارکت» به‌عنوان، مؤلفه‌هایی با تأثیر دوجانبه در شکل‌دهی به تحولات کالبدی-فضایی در قالب ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی هستند و برای کنترل تحولات کالبدی باید عملکرد دولت در سیاست‌های توسعه زمین و مسکن و همچنین تخلقات مالکین و بخش خصوصی در ساخت واحدهای مسکونی غیراستاندارد موردبازنگری قرار گیرد؛ زیرا «شهرداری» با استفاده از نفوذ و اعمال قدرت در سایر سازمان‌های دخیل در ساماندهی اسکان غیررسمی، به‌واسطه ناآگاهی و فقر اقتصادی ساکنین محله و ضعف عملکردی نهادهای محلی، اجازه ساخت خانه‌های فرسوده و کم استحکام با مساحت کم و بدون اسناد رسمی، توانسته است نقش قابل توجهی در توسعه این قبیل محلات داشته باشد. برخی محدودیت‌های پیش روی تحقیق در این نوشتار عدم اعتماد و همکاری ساکنین محله در همکاری با محققین^۱ و از سویی شرایط کرونا و عدم حضور چهره به چهره مصاحبه با خبرگان از دیگر محدودیت‌های پیش روی این پژوهش بوده است. با توجه به موارد ذکرشده به‌منظور دستیابی به شیوه‌های مطلوب در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی، رعایت موارد زیر ضروری به نظر می‌رسد:

- تدوین الگوواره‌ی ساماندهی جامع و پایدار مبتنی بر فرصت‌های بالقوه محیطی و اجتماعی اسلام‌آباد با استفاده از تأسیس دفتر شورایی محله یا دفتر تسهیلگری با مشارکت هیئت‌امنا، سرمایه‌گذاران و معتمدین محله و همچنین تأمین ردیف بودجه‌ی موردنیاز از طریق سه نهاد استانداری زنجان، اداره کل راه و شهرسازی استان زنجان و شهرداری زنجان
- رشد اقتصادی در جهت سوق محدوده به سمت توسعه‌ی درون‌زا و خودشکوفایی با توجه به وجود محور تجاری بیست‌متری شهید مدنی از طریق ایجاد کاربری‌های تجاری-خدماتی، مسکونی و فضای

۱. طبق مصاحبه فاصله بین گفتار و عمل - قدرت و زمینه واقعی کار برنامه‌ریزی دکوراتیوی چالش زا بوده است.

سبز در زمین‌های بایر واقع در محدوده و یا پیرامون آن؛ تهیه‌ی سند مکمل مطالعات امکان‌سنجی اقتصادی تبدیل یکی از معابر دیگر محدوده‌ی اسلام‌آباد شهر زنجان به محوری تجاری؛ تقویت مهارت‌های شغلی ساکنین از طریق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و دوره‌های کارآفرینی و کارآموزی با توجه به ظرفیت اجتماعی و فرهنگی محله

- به‌کارگیری توسعه زمین‌ها و اراضی محدوده، توسط کنشگران اصلی با بهره‌جویی از زمین‌های قابل توسعه در جهت چاره‌جویی از مشکلات محدوده و به‌ویژه مشکلات جمعیتی و محیطی از طریق توسعه و بهبود کالبدی و عملکردی محدوده‌ی مورد برنامه‌ریزی از طریق اعمال و اجرای دقیق و مؤثر سیاست‌های الگو و برنامه‌ی بازآفرینی؛ اجازه‌ی استفاده از زمین‌های بایر و واقع در محدوده و پیرامون آن به بخش خصوصی، از طریق خرید و یا ارائه‌ی زمین ما به‌عوض در منطقه‌ای دیگر توسط بخش حکومتی، دولتی، وزارتخانه، بخش عمومی و شهرداری منطقه و تدقیق الگویی مشخص برای شراکت در این زمین‌ها؛ استفاده از اراضی بایر پیرامون محل در جهت گسترش بازارهای محلی (مثل احداث بازارچه)^۱

- تعیین جایگاه کنشگران محدوده در قالب نهادهای بومی و تعریف نقش تسهیلگر برای مذاکره با صاحبان زمین و مدیریت شهری برای چاره‌جویی از تعارضات و اختلاف ذی‌دخلان و ذی‌نفوذان محدوده از طریق کمک به افزایش قدرتمندی مردم در نیازسنجی و درخواست و پیگیری نیازها از طریق آموزش‌های لازمه، تأسیس شورای محل در قالب شورایی یا نهادی مشابه با اعطای نقش در فرآیند بازآفرینی اسلام‌آباد. برخی موضوعات پیشنهادی در چارچوب تحقیق حاضر برای تحقیقات آتی به شرح ذیل خواهد بود:

- گفت‌وگو دولت‌ها در بازتولید فضای غیررسمی شهر

- نقد تولید فضای شهری از منظر مشارکت دکوراتیوی تا مشارکت خودانگیخته

- گفت‌وگو انتقادی و مدیریت قدرت در تولید نظم/متن/فضا سکونتگاه‌های مسئله‌دار شهری با

رویکرد CWS^۲

- تبیین غیررسمیت در سایه رسمیت شدن با رویکرد حق به شهر.

۱. قابل ذکر است طرح احداث بازارچه در پیرامون محله اسلام‌آباد شهر زنجان تحت عنوان باند قدیم و باند جدید بزرگراه ۲۲ بهمن مطرح و در حال حاضر با مشکلات حقوقی بین دستگاه‌های اجرایی مواجه است.

کتاب نامه

۱. امیرحاجلو، ا. (۱۳۹۶). تبیین تولید فضای شهری، مورد مطالعه: کلان شهر تهران. تهران: رساله دکتری. دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی تهران.
۲. ایرانمنش، م.، و مختاری، ب. (۱۳۹۴). اکباتانی‌ها به دنبال حق به شهر: نگاهی به کنشگری شهری نوزاده در شهرک اکباتان. نشریه هفت شهر، ۴ (۴۹ و ۵۰)، ۲۳۹-۲۴۷.
۳. بردی آنا مرادنژاد، ر.، ملکشاهی، غ.، و محمدی، ع. (۱۳۹۳). ارزیابی نقش سکونتگاه‌های غیررسمی در گسیختگی فضایی ساختار شهری (مطالعه موردی: شهر گنبد کاووس). فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا، ۱۵)، ۶۵-۸۶.
۴. پاک‌نژاد، ن. (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی تجارب جهانی در سیاست‌گذاری‌های ساماندهی اسکان غیررسمی. نشریه مهندسی ساختمان و علوم مسکن. ۱۳ (۲۳)، ۱۳-۲۱.
۵. توسلیان، ر.، و حضرتی، م. (۱۳۹۸). تحلیل نقش کنشگران شهری در ارتقاء کیفیت فضای شهری (نمونه موردی: بافت فرسوده شهر زنجان). مجموعه مقالات اولین همایش ملی کیفیت در فضاهای معماری و شهری، زنجان: دانشگاه زنجان.
۶. چیمبا، ج. ش. (۱۳۹۷). مدیریت شهر، خط‌مشی‌ها و نوآوری‌ها در کشورهای در حال توسعه. ترجمه پرویز زاهدی، تهران: نشر شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۷. حبیبی، م.، و مقصودی، م. (۱۳۹۵). مرمت شهری: تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطع‌نامه‌های جهانی، روش‌ها و اقدامات شهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. حبیبی، ک.، پورا احمد، ا.، و مشکینی، ا. (۱۳۹۵). بهسازی و نوسازی چینی‌جا‌های کهن شهری. تهران: تهران، نشر انتخاب.
۹. حیدری، م. ت. (۱۳۹۵). تحلیل زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهری (مورد پژوهی: بافت فرسوده شهر زنجان). تهران: رساله دکتری. گروه علوم جغرافیایی. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه خوارزمی تهران.
۱۰. رضازاده، ر.، محمدی آیدغمیش، ف.، و رفیعیان، م. (۱۳۹۱). توسعه اجتماع محلی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مشارکتی در رویکرد دارایی‌مبنا (مطالعه موردی: محله امامزاده حسن، منطقه ۱۷ تهران). نشریه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۶ (۲)، ۳۷-۵۵.
۱۱. زنگی‌آبادی، ع.، مؤید فر، س. و غفورزاده، م. (۱۳۹۴). ارزیابی باززنده‌سازی چینی‌جا‌های قدیم شهری در راستای توسعه پایدار (شهریزد). فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، ۳ (۹)، ۱۵۹-۱۳۱.
۱۲. سجادی، ژ.، و صادقی، ی. (۱۳۸۷). شکل‌نهادهای غیردولتی در راستای ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی (مورد اسلامشهر، میان‌آباد). نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱ (۱۱)، ۷-۲۹.
۱۳. شهرداری زنجان (۱۳۹۵). آمارنامه شهر زنجان. زنجان: شهرداری زنجان. www.Zanjan.ir

۱۴. شیخی، ن.، و نوری کیا، س. (۱۳۹۶). بررسی اثرات نوسازی به شیوه اعیان سازی بر هویت شهری و نقش آن در سرنوشت بافت‌های مورد مداخله (نمونه موردی محله سولوکول، ترکیه). *مجموعه مقالات کنفرانس ملی به‌سوی شهرسازی و معماری دانش‌بنیان*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
۱۵. صرافی، م. (۱۳۸۱). از حاشیه‌نشینی تا متن شهری. *فصلنامه هفت شهر*، ۸(۳)، ۵-۱۲.
۱۶. صرافی، م. (۱۳۸۲). بازنگری ویژگی‌های اسکان خودانگیخته در ایران. *مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی*. تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
۱۷. صفراآبادی، ا.، مؤید فر، س.، وارثی، ر.، و بلاغی، ر. (۱۳۹۵). رویکردهای توانمندسازی مناطق حاشیه‌ای شهری مورد شناسی: سکونتگاه غیررسمی حسن‌آباد یزد. *جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای*، ۶(۱۹)، ۲۳۰-۲۱۷.
۱۸. عبادی، ن.، و فتحی، ع. (۱۳۹۳). نقش مؤسسات خیریه در توانمندسازی و بهبود وضعیت اجتماعی حاشیه‌نشینان مطالعه موردی: محله گلمغان شهر اردبیل. *اولین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار*. تهران: انجمن معماری ایران - قطب علمی برنامه‌ریزی و توسعه پایدار دانشگاه تهران.
۱۹. کاویانی، ع. (۱۳۹۷). *تحلیل ساختاری موانع توانمندسازی اجتماع‌محور در مناطق اسکان غیررسمی (مورد مطالعه: محله بان برز شهر ایلام)*. زنجان: پایان‌نامه دکتری. گروه علوم جغرافیایی. دانشکده علوم جغرافیایی. دانشگاه زنجان.
۲۰. محمدی، ج.، و اداک، ص. (۱۳۹۸). حاشیه‌نشینان شهری و تجربه رنج اجتماعی (محلۀ نایسر شهر سمنجان). *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۲۶(۸۶)، ۱۵۷-۱۸۴.
۲۱. محمدی، ع. (۱۳۸۸). *ظرفیت‌سازی اجتماع‌محور: پشتوانه ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی*. *مجله هفت شهر*، ۲(۲۹-۳۰)، ۹۷-۱۱۳.
۲۲. محمدی، ک.، رضویان، م.ت.، صرافی، م.، و غلامحسینی، ا. (۱۳۹۳). شراکت بخش عمومی-خصوصی در نوسازی بافت‌های فرسوده منطقه ۹ شهرداری تهران. *فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری*، ۲(۸)، ۱۲۷-۱۰۹.
۲۳. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان زنجان*. تهران: مرکز آمار.
۲۴. مهران فر، م.، فولادیان، ا.، و اصغرپور ماسوله، ا.ر. (۱۳۹۱). تأثیر کیفیت زندگی مالکان و ساکنان بافت‌های فرسوده بر تمایل آنان به مشارکت در بهسازی و نوسازی در شهر مشهد. *مجله علوم اجتماعی*، ۹(۲)، ۱۵۷-۱۸۲.
۲۵. نجفی، س. (۱۴۰۰). *تبیین کنشگران مدیریتی متن سکونتگاه‌های مسئله‌دار شهری با رویکرد زبان‌شناختی (مطالعه موردی: محله اسلام‌آباد شهر زنجان)*. زنجان: رساله دکتری، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی؛ دانشگاه زنجان.
۲۶. نصر اصفهانی، ر.، صفاری، ب.، و غفاریان، س. (۱۳۹۵). بررسی علل اقتصادی حاشیه‌نشینی با استفاده از اثر درمان (مطالعه موردی شهر اصفهان). *مجله اقتصاد شهری*، ۱(۱)، ۱-۱۶.
۲۷. نقدی، ا.، و صادقی، ر. (۱۳۸۵). حاشیه‌نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری (با تأکید بر شهر همدان). *نشریه رفاه اجتماعی*، ۵(۲۰)، ۲۱۳-۲۳۳.

۲۸. وزارت کشور (۱۳۹۹). پیام برنامه اسکان بشر ملل متحد در ارتباط با بحران کووید-۱۹ موضوع: سکونتگاه‌های غیررسمی. تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری و روستایی، معاونت آموزشی

29. Beard, V. (2013). *Citizen Planner: From Self-Help to Political Transformation*. Oxford: Oxford Publication.
30. Castells, M. (2009). Communication power. *Communication*, 32(1), 5-12
31. Fazli, M. (2016). Factors Behind the Growth of Informal Settlements in Kabul. *6th Annual Conference on Architecture and Urbanism. Vysoké učení technické v Brně, Fakulta architektury*, 3(2), 81-86
32. Garau, P. (2014). *A Home in the City*. Elliott D. Sclar- Gabriellay. Carolina Eearthscan.
33. Jokilehto, J. (2016). *History of architectural Conservation*. Butterworth-Heinemann, 2 Ed.
34. JuliusGwaleba, M., & Eugene Chigbu, U. (2020). Participation in property formation: Insights from land-use planning in an informal urban settlement in Tanzania. *Land Use Policy*, 92(3), 104-109.
35. Khalifa, M. (2015). Evolution of informal settlements upgrading strategies in Egypt: from negligence to participatory development. *Ain shams Engineering Journal*, 6(4), 1151- 1159.
36. Magalhaes, F., & Eduardo, R. (2017). *Facing the challenges of Informal Settlements in Urban Centers: The Re-urbanization of Manaus, Brazil*. Washington, D.C: Sustainable Development Department.
37. Obar, J. (2012). Advocacy 2.0: An analysis of how advocacy groups in the United States perceive and use social media as tools for facilitating civic engagement and collective action. *Journal of Information Policy*, 5(3), 11-20.
38. Pendlebury, J., & Porfyriou, H. (2017). Heritage, urban regeneration and place-making. *Journal of Urban Design*. 22(4), 429-432.
39. Pugh, C. (2015). Squatter settlements, their sustainability, architectural contributions, and socio – economic roles, *Cities*, 17(5), 66-72.
40. UNEP (2002). *Capacity building for sustainable development: the role of UNEP Coordination team: Donald Kaniaru, Xia Kunbao; Strike Mkandla, Levis Kavagi UNEP Division of Enviromental Policy Implementation*. UNEP. ISBN: 92-807-2266-2.
41. Windle, P.E. (2004). Delphi technique: assessing component needs. *Journal of Perianesth Nurs*, 19(1), 46-7.